

شاهد

## ترانه‌ای برای فروپاشی رؤیای آمریکایی

نقد و بررسی ترانه «ناپاک‌ترین قتل» اثر باب دیلن

تیم شوروک<sup>۱</sup>، نویسنده، مفسر و روزنامه‌نگار اهل واشنگتن و نویسنده کتاب «جاسوسانی برای اجیر کردن: دنیای سری برون‌سپاری جاسوسی»<sup>۲</sup>، در این مطلب با عنوان «جان اف کندی، باب دیلن و مرگ رؤیای آمریکایی»<sup>۳</sup> - که در ۱۳ آوریل ۲۰۲۰ در تارنمای دنشین<sup>۴</sup> منتشر شده است - پیرامون ترانه جدید باب دیلن (شاعرو خواننده آمریکایی و برنده نوبل ادبیات در سال ۲۰۱۶) به نام «ناپاک‌ترین قتل»، دست‌به‌قلم شده است و از تأثیری که این ترانه بر روح جمعی آمریکاییان دارد، سخن می‌گوید. این ترانه به عقیده شوروک، انتقادی است از آمریکای ترامپ و یک امپراتوری همیشه در حال جنگ و البته کرونازده امروز!

در ۲۷ مارس ۲۰۲۰، باب دیلن نخستین آهنگ جدید خود در طول یک دهه، بنام «ناپاک‌ترین قتل» را در اینترنت منتشر کرد. این آهنگ که در سال‌خوردگی، با لطافت، صدای خش‌دار و آشنا برای مخاطبانی اجرا شد که تور جهانی اخیر او را دنبال می‌کردند؛ مانند شعری حماسی به قتل رئیس‌جمهور جان اف کندی در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۳، موسیقی، فرهنگ و معمایی اشاره داشت که هنوز درباره یکی از تکان‌دهنده‌ترین رویدادهای تاریخ آمریکا مطرح است.

### افسوس برای زوال و افول سیاستمداران

دیلن در آن صبح فوریه، در وب‌سایت خود نوشت: «ممکن است این آهنگ که مدتی پیش ضبط کردیم، برایتان جالب باشد»، «ایمن باش، هشیار باش و شاید خدا با تو باشد». همان‌طور که در این هفته‌های عذاب‌آور گذشته، بارها و بارها به آهنگ «ناپاک‌ترین قتل» گوش می‌دادم، آن راه‌دیده دیلن به جهان در لحظه وحشتناک دیگری از

تاریخ سرزمینمان تلقی کردم، وقتی که رهبران ما قصور می‌ورزند و ما دچار مصیبتی می‌شویم که به نظر می‌رسد، پایانی ندارد؛ همانند قتل کندی در سال ۱۹۶۳ و ناتوانی کامل دولت فدرال در حفاظت از مردم در سال ۲۰۲۰، حاکی از فروپاشی مناسباتی بوده که در کتاب مقدس از آن یاد شده است. واکنش کند، بزدلانه و بسیار احمقانه رئیس‌جمهور ترامپ در برابر کووید ۱۹، سبب شد تا این کشور به مرکز فاجعه بدل شود و از نابینایی شگفت‌آور جرج دبلیو بوش نسبت به غرق شدن نیواورلئان در سال ۲۰۰۵ پیشی گرفت. این کشور با صدها هزار نفر که در معرض خطر مرگ هستند و میلیون‌ها فرد بیکار، بیمار یا ناامید، با بحرانی اساسی روبه‌رو است که با جنگ شهری یا رکود عظیم جهان در دهه ۱۹۳۰ برابری می‌کند. آنچه در «ناپاک‌ترین قتل» می‌شنویم، صدای خسته برنده جایزه نوبل در هشتادسالگی است که با ما در رنج و محنت هایمان شریک است، همان‌طور که فقط از شاعر بزرگی

1. Tim Shorrock  
2. Spies for Hire: The Secret World of Intelligence Outsourcing (2008)  
3. JFK, Bob Dylan, and the Death of the American Dream  
4. thenation

گفتم که روح ملتی جدا شده است و بکندی دارد تجزیه می شود و سی و شش ساعت از روز دادرسی گذشته است.

دیگر آنکه این آهنگ، یادآور زیبایی موسیقی و فرهنگ ما است؛ در واقع، تکریم هنرمندان گمنام بوده و به مرگ عمومی و پاندمی جهانی امروزی اشاره دارد. (البته برای درک سبک آن، به پادکست زیبای لائورا تئنشرت<sup>۲</sup> درباره آهنگ نمایش لندننی او، قطعاً دیلن گوش کنید<sup>۳</sup>). دیلن با جادوی ولفمن جک،<sup>۴</sup> از قتل به موسیقی می پردازد؛ فرد افسانه ای که در فیلم گرافیتی آمریکایی درخشید، کسی که نماینده ارواح تمام آن دی جی های نیواورلئان، ممفیس، شیکاگو و نیویورک است که رمز و راز موزیک آمریکایی را به او آموختند، وقتی که کودکی بود در هیبینگ<sup>۵</sup> مینه سوتا و در نزدیکی بزرگراه ۶۱، با عواقب جنگ جهانی دوم رشد کرد و بالغ شد. به زودی پس از آن قتل، نام ده ها موسیقیدان و خواننده بر سر زبان ها می افتد و با بیتل ها شروع شده و موسیقی سرور آمیزشان «حمایت می کند»؛ به طریق:

بخوان اسکار پترسون<sup>۶</sup> و بخوان  
استن گتز<sup>۷</sup>

همراهی تارهای حزن آور پیانو، ما را به تصاویر وحشتناک فیلم زاپرودر<sup>۱</sup> از صحنه ترور سوق می دهد. او سی و سه بار و شاید بیشتر آن ها را دیده است (زننده و پرفریب، بی رحمانه و زشت ترین چیزی است که تاکنون دیده اید) اما برخلاف تعبیری که ممکن است درباره ترانه خوانده باشید، نقطه قوت او، بیان نظریه های توطئه برای جان اف کندی یا یادآوری رویدادی نوستالژیک از دهه ۱۹۶۰ نیست. پیام دیلن مانند بسیاری از ترانه هایش، بسیار ژرف تر و به مراتب رمزآلودتر است.

### زمانی که رؤیای آمریکایی فروپاشید

ترانه «ناپاک ترین قتل»، در اصل به فروپاشی رؤیای آمریکایی اشاره دارد؛ به روز وحشتناکی در دالاس، هنگامی که شرارت خاصی میان ما به طریقی نمایان می شود که صدها سال مشاهده نشده است؛ روزی که به نظردیلن، در حافظه جمعی خود من و دیگر افراد هم نسلمان تا همیشه باقی می ماند. او به ما می گوید، این قتل و دسیسه های پنهانی پشت آن، کندی را از ذهن ما ربود؛ یعنی کسی را که نماد روح آمریکایی مثبت و پیشرو بود و مردم «در پنجاه سال گذشته در جستجویش هستند» و این است نتیجه آن:

برمی آید. صداهای باس بم، ویلون سوگوار، پیانو و درام ها، در سرودی دلپذیر و حزن انگیز به هم می آمیزد و کاملاً با اوقات و عواطف زخم خورده ما تطابق دارد. ترانه ۱۷ دقیقه ای «ناپاک ترین قتل»، طولانی ترین ترانه دیلن است که از «های لندز» پیشی می گیرد. های لندز، دهن کجی او به سالخوردگی در رابطه با فراموشی فتح آلمان است که در سال ۱۹۹۷ منتشر شد. در ۸ آوریل، «ناپاک ترین قتل» نخستین آهنگ دیلن بود که بر روی تابلوی آگهی ها، به رتبه اول دست یافت. این، همان توفیق خارق العاده برای آهنگی چنین طولانی است. مفهوم این ترانه با اشعار نیشدارش، درباره خیانت و بی وفایی است؛ مشابه مفهومی که دیلن در سال ۲۰۱۲ درباره توفان، آخرین آلبوم آوازهای اصلی اش عرضه نمود. برخی از عبارات ها نیز حاکی از حمله اخیر او به سرود نامه آمریکایی فرانک سیناترا است که نمایش های او در دهه گذشته را به میکده پارسی خودمانی تبدیل نموده بود.

لیکن در این ترانه، شادی اندکی به گوش می رسد، حاکی از آنکه اوضاع تیره و غیرقابل فهم است؛ اینکه رئیس جمهور کندی مانند بره ای معصوم توسط فرد گمنامی ذبح می شود. گویی که آن فرد در جستجوی وصول «دیون پرداخت نشده» است که «با قساوت و بی رحمی او را کشت». دیلن با

۱. Abraham Zapruder خیاط آمریکایی که در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۳ به طور غیرمنتظره ای شاهد قتل رئیس جمهور آمریکا جان اف کندی در دالاس بود. او هنگام فیلم برداری از لیموزین و اسکورت رئیس جمهور، صحنه قتل او را نیز ضبط کرد.

2. Laura Tenschart

3. <https://www.definitelydylan.com/>

۴. Wolfman Jack روبرت وستون اسمیت آمریکایی مشهور به ولفمن جک که به خاطر صدای خشن دارش معروف بود و در رادیو، تلویزیون و سالن های رقص صفحه موسیقی می گذاشت.

۵. Hibbing شهر کوچکی در شمال شرقی مینه سوتا

۶. Oscar Peterson پیانیست جاز کانادایی

۷. Stan Getz نوازنده ساکسیفون، آمریکایی

بخوان بلواسکای<sup>۱</sup>، بخوان دیکی بتز<sup>۲</sup>  
 بخوان آرت پیر<sup>۳</sup>، تلونیوس مونک<sup>۴</sup>  
 چارلی پارکر<sup>۵</sup> و آن همه جانک<sup>۶</sup>  
 آن همه جانک و آن همه جاز  
 گاهی اوقات به نظر می‌رسد که این موسیقی و فرهنگ، از سخنان خود کندی نشأت می‌گیرد؛ از او که در دوران سناتوری از رادیو صدای ولفمن جک را می‌شنید، وقتی که با پیترو لافورد، فرانک سیناترا و دیگر دوستان و خانواده ثروتمندش یاد پدر سفیرش، در هالیوود و لاس وگاس می‌گشت.

بخوان جان لی هوکر<sup>۷</sup> بخوان اسکریچ مای بک<sup>۸</sup> را  
 بخوان آن را برای صاحب آن کلوب استریپ که جک نام دارد  
 گیتار اسلیم<sup>۹</sup> - گوین دان اسلو<sup>۱۰</sup>  
 بخوان آن را برای من و مرلین مونرو لطفاً بخوان، نگذار بی خبر بمانم  
 برای بانوی اول بخوان، او احساس خوبی ندارد.

### «ناپاک ترین قتل» از موسیقیدانان بسیاری داوری می‌خواهد که

۱. Blue Sky سبکی از موسیقی که مفاهیم فضای باز، آزادی، بصیرت، تخیل، وسعت نظر، الهام، حساسیت و نیز ژرفا، راستی، وفاداری، درستی، خرد، اعتماد، استواری، ایمان، عرش و آگاهی در آن مستتر است.  
 ۲. Dickey Betts آهنگساز، ترانه‌سرا، خواننده و گیتاریست آمریکایی  
 ۳. Art Pepper آرتور ادوارد پیر، نوازنده ساکسیفون و کلارینت، آمریکایی  
 ۴. Thelonious Monk آهنگساز و پیانیست جاز، آمریکایی  
 ۵. Charlie Parker نوازنده ساکسیفون، آمریکایی  
 ۶. jazz موسیقی شاد، پرتحرک و ماجراجویی با موسیقی که با آلات ساخته شده از اقام بازاریافتی اجرا می‌شود.  
 ۷. John Lee Hooker ترانه‌سرا و خواننده آمریکایی  
 ۸. Scratch My Back آهنگی درباره همپاری  
 ۹. Slim Guiter آدی جونز معروف به گیتار اسلیم  
 گیتاریست سبک بلوز در نیواورلئان در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰  
 ۱۰. Goin' Down Slow ترانه‌ای با صدای هولین ولف

کارشناسان دیلن در اسپوتیفای<sup>۱۱</sup>، سیلی از ترانه‌ها را به تشخیص او عرضه کرده‌اند: رولینگ استونز<sup>۱۲</sup> (آلتامونت)، دهو<sup>۱۳</sup>، الویس<sup>۱۴</sup> (قطار سری)، بو دیدلی<sup>۱۵</sup>، جلی رول مورتون<sup>۱۶</sup>، ب ب کینگ<sup>۱۷</sup> (لوسیل<sup>۱۸</sup> بنواز)، پتسی کلین<sup>۱۹</sup>، نات کینگ<sup>۲۰</sup>، کول<sup>۲۱</sup>، دان هنلی<sup>۲۲</sup>، گلن فری<sup>۲۳</sup>، استیوی نیکز<sup>۲۴</sup>، مایلز دیویس<sup>۲۵</sup> و ده‌ها هنرمندی که از زمان فیلم «ناخوانده» قدیمی هالیوود ۱۹۴۴ به ترانه «استلابا استار لایت<sup>۲۶</sup>» پرداختند (توأم با تصاویری از فیلم‌های قدیمی، ترانه‌های معروف و شخصیت‌های افسانه‌ای گذشته آمریکا)، پرنده باز الکاتراس<sup>۲۷</sup>، باگزی سیگل<sup>۲۸</sup>، پرتی بوی فلوی<sup>۲۹</sup>، اسکله<sup>۳۰</sup> (دان این دیونداک<sup>۳۱</sup> را برای تری مالوی<sup>۳۲</sup> بخوان).

۱۱. Spotify سرویس موزیک دیجیتال که دسترسی به میلیون‌ها ترانه را امکان‌پذیر می‌سازد.
۱۲. The Rolling Stones (Altamont) گروه راک آمریکایی که در ۱۹۶۲ در لندن تشکیل شد.
۱۳. The Who گروه راک
۱۴. Elvis Presley خواننده آمریکایی
۱۵. Bo Diddley خواننده آمریکایی
۱۶. Jelly Roll Morton پیانیست جاز، آمریکایی
۱۷. B.B. King ترانه‌سرا و خواننده آمریکایی
۱۸. Lucille نام گیتار ب ب کینگ
۱۹. Patsy Cline خواننده آمریکایی
۲۰. Nat King Cole خواننده آمریکایی
۲۱. Don Henley موسیقیدان آمریکایی
۲۲. Glenn Frey ترانه‌سرا و خواننده آمریکایی
۲۳. Stevie Nicks ترانه‌سرا و خواننده آمریکایی
۲۴. Miles Davis نوازنده ترومپت، جاز، آمریکایی
۲۵. Stella by Starlight ترانه محبوبی با صدای ویکتور بوینگ در فیلم ناخوانده
۲۶. Birdman of Alcatraz فیلم سال ۱۹۶۲
۲۷. Bugsy Siegel گانگستر آمریکایی
۲۸. Pretty Boy Floyd بانک زن آمریکایی
۲۹. On the Waterfront فیلم سیاه‌وسفید سال ۱۹۴۵
۳۰. Down in the Boondocks نام ترانه‌ای با صدای بیلی جوی رویال
۳۱. Terry Malloy @ (بازیگر انگلیسی) شخصیت فیلم اسکله که نقشش را مارلون براندو ایفا نمود
۳۲. Dealey Plaza گروه موسیقی

دیلن، حتی به ترانه‌های خود نیز گریزی می‌زند، از جمله «خون در چشمانم»، یک بازخوانی از آل‌بوم ۱۹۹۳ او به نام جهان به بیراهه می‌رود، برگرفته از ترانه‌ای توسط رؤسای قبایل می‌سی‌سی‌پی، گروه سازهای زهی آمریکایی آفریقایی‌تبار دهه ۱۹۳۰، به رهبری ویلون زنی که قبلاً برده بود و «شان» گزیده نشاط‌آوری از ترانه بگوا افسانه اشاره به خطاها دارد، محبوب مورد علاقه‌اش از سال ۲۰۰۸ درباره زمانی که «روح ملت زیر تیغ است». همان‌طور که نام‌ها و عناوین به سرعت می‌گذرند، شما موسیقی و فرهنگی را می‌شنوید، حاکی از آنکه این‌ها برای دیلن، موضوعات قدیمی و آشنایی است. تضاد میان فرهنگ گذشته موسیقی دیلن و کشور آسیب دیده امروزه ترامپ، در پذیرش ادعای دعوی کندی به ملت خلاصه می‌شود که وارونه شده است:

نیرس کشورت برای توجه می‌تواند بکند  
 از لوله تفنگ استفاده کن،  
 پول هاست که می‌سوزد  
 دلی بلازا<sup>۳۳</sup>، به چپ برو  
 به تقاطع‌ها می‌روم، پرچم اقتدار  
 برمی‌افرازم  
 آنجاست که ایمان، امید و  
 نیکوکاری مرده است.

آن پول، «حرف نمی‌زند، ناسزا می‌گوید»، از ترانه ۱۹۶۵ او «درسته مامان (من فقط خون می‌ریزم)» که



حاوی سطور غیراخلاقی نیز است و در حال حاضر، به قدر گذشته کاربرد دارد، نظر به اینکه «حتی رئیس جمهور ایالات متحده گاهی اوقات درمی ماند». این، همان پول آلوده‌ای است که «هرگز روح را از سرزنش تلخ عقده صنعتی - نظامی میان استادان جنگ رها نمی‌کند»؛ همان تصنیف ضد جنگ مشهور او در سال ۱۹۶۳.

#### برای آمریکای ترامپ

در عین حال، ناپاک‌ترین قتل «می‌تواند برای آمریکای ترامپ نوشته شده باشد، اما در مورد آمریکای

همیشه در حال جنگ نیز است که در دوران پیش از ترامپ شروع شد، هنگامی که نظامی‌گری و امپراتوری بر سیاست خارجی ما مسلط می‌شود و نطق‌ها درباره کشتار به سلاحی برای دمکرات‌ها و جمهوری خواهان بدل می‌گردد. ضمناً، به نظر دیلن، کابوس امروز به نوامبر ۱۹۶۳ و مرگ کندی برمی‌گردد؛ و اینجا است که داستان ما شکل می‌گیرد، زیرا داستان جان اف کندی دیلن، داستان نسل ما نیز است (تاریخی که در ایستگاه رادیو بیان شد، همان طور که نیل یونگ به آن اشاره کرد).

نخست ترانه «ناپاک‌ترین قتل» کندی را یافتیم، هنگامی که در صد بودیم به حقایق بی‌رحمانه این رویداد وحشتناک پی ببریم. در آن زمان، من ۱۲ ساله بودم و از آن حادثه شوکه شدم؛ مانند بسیاری از کودکان هم‌سن خود، کندی را معبود می‌دانستم. او جوان بود، رهبر چالاک‌کی که به همه چیز تشخص مثبت می‌بخشید و امیدواری را به کشوری القا می‌کرد که از مدت‌ها پیش، از دوران کودکی ام در ژاپن و کره جنوبی دوستش داشتم. والدین من به عنوان مبلغ مذهبی و امدادگر، پس از جنگ جهانی دوم

به این دو کشور سفر کردند. اساس آن برنامه، همان دوران مهیج روح و الهام آمریکایی برای هزاران مرد و زن جوانی بود که به این دلیل در سپاه صلح و مبارزه با فقر، برای ایجاد جهان بهتر ثبت نام می کردند. قتل او عاملی بود که بفهمم واقعاً چیزی در سرزمین محل تولدم به بیراهه می رود تا آن زمان، آمریکادر نظر من عاری از گناه و مکان نیکی بود، یعنی سرزمین نعمت هایی که اتومبیل های محکم و خوش ساخت تولید می کند؛ مانند واگن ایستگاه پلیموت که پدرم دوست داشت، سوار آن شود. پیروزی انتخاباتی کندی جوان و خیرخواه در نوامبر ۱۹۶۰، ایمانم را محکم تر کرد. سخنان او خطاب به آمریکاییانی را که به ماه سفر کرده بودند، با هیجان از رادیو شنیدم. از کشور کره نامه دوستانه ای برایش نوشتم و هنگامی که پاسخی از معاون او، کنت او دانل، دریافت کردم، قلم به تیش درآمد. عکس امضا شده رئیس جمهور همراه آن نامه بود اما با مرگ ناگهانی او، آن آمریکای قدیمی و آشنا در نظرم محو شد.

روزی که مغز رئیس جمهور را متلاشی کردند  
هزاران نفر شاهد بودند، هیچ کس چیزی ندید  
بسیار سریع رخ داد، به طرز شگفتی  
سریع

درست همان جا جلو چشم همه  
استادانه ترین حقه جادویی تاکنون

بی نقص اجرا شد، با مهارت انجام شد.  
جزئیات این قتل و فرد متهم، آن طور که در روزنامه های ژاپن بیان شد، رمزآلود بود و من می خواستم بیشتر درباره آن بدانم؛ مانند دیلن، غرق تفکر درباره عکس های فیلم زاپرودر شدم، وقتی که در مجله لایف، به چاپ رسید. هر چیزی را که می توانستم درباره این حادثه در کتابخانه مدرسه بیابم، مطالعه کردم. وقتی که نشریه تایم و نیوزویک به دستم می رسید، تمام مطالب آن ها را می کاویدم. در ماه های بعد، اخبار بدی از ویتنام به گوش رسید. من با خانواده ام در مارس ۱۹۶۳، از آنجا بازدید کرده بودم. رئیس جمهور لیندون جانسون، جنگ را تا سال ۱۹۶۴ ادامه داد. آن کشور را با بمب ناپالم می کوبید و تا سال ۱۹۶۵، وقتی زیر دریایی های ایالات متحده با هزاران نفر به سوی دانانگ رفت، «وحشت» پس از آن در فیلم «اکنون اپوکالیپس ۲»، به نمایش درآمد که توسط مارلون براندو به کمال رسید. آن زمان، تابستان آزادی و قتل سه فعال جوان حقوق مدنی توسط کوکلاکس کلان<sup>۱</sup> در می سی سی پی بود. ماقبل<sup>۲</sup> چرخش وحشت آور خود به سوی تاریکی و دهه دیوانگی ترورها را شروع کرده بودیم؛ در سال ۱۹۶۳، علاوه بر جان

۱. Da Nang شهری ساحلی در ویتنام  
۲. Apocalypse نابودی کامل جهان  
۳. Ku Klux Klan نام سازمانی در آمریکا که پشتیبان برتری نژاد سفید، یهودستیزی، نژادگرایی، ضدیت با آیین کاتولیک و نفرت نژادی بود. آن ها به خاطر اهداف خود، به کارهای غیراخلاقی متوسل می شدند.

اف کندی، مدگار اوروز<sup>۳</sup> نیز به قتل رسید؛ سپس مالکون ایکس در سال ۱۹۶۵، مارتین لوتر کینگ و بابی کندی بودند که به قتل رسیدند.  
پیت سیگر، مرا با باب دیلن آشنا کرد، وقتی که در تور جهانی خود در سال ۱۹۶۴ برای اجرای برنامه به مدرسه آمریکایی ها آمده بود. پس از اجرای ترانه های مردمی و سرودهایی درباره حقوق مدنی، سیگر برای ما از استعداد جدیدی در شهر نیویورک سخن گفت که شگفت آورترین ترانه ها را می نویسد. سپس دیلن گیتارش را برداشت و ترانه الهام بخش و قوی خود از روزهای بحران موشک کوبا، به نام فرود باران سخت<sup>۴</sup> را خواند. وقتی واژه ها اوج می گرفت، حیرت می کردم؛ زیرا هرگز چیزی مانند آن نشنیده بودم، نه از بیتل ها، نه از کینگستون تریو، نه از جانی کش، نه از هیچ کس دیگر. آن ترانه باشکوه که پتی اسمیت آن را چنان تأثیرگذار در جشن جایزه نوبل دیلن در ۲۰۱۶ اجرا نمود، صحنه را برای هر آن چیزی آماده نمود که قرار بود به خواننده سرآمد هیپینگ مربوط باشد.

ترانه های او کاملاً با اطرافم تطابق داشت، حتی در ژاپن. هرگز نخستین باری را فراموش نمی کنم که ترانه «سراسریچ دیدبانی» را شنیدم، آن هم با سطر تکراری اش؛ «دو سوار نزدیک می شوند و باد می وزد». سال ۱۹۶۸ بود و شهروندان ژاپنی، اغلب با خوشنوت

به استفاده نظامی ایالات متحده از پایگاه‌های ژاپنی برای حمله به ویتنام اعتراض می‌کردند. از خانه‌ام در توکیو که به دشت کانتون نگاه می‌کردم، می‌توانستم هواپیماهای جنگی آمریکا را ببینم که در پایگاه هوایی به دور از غرب ایالات متحده فرود می‌آمدند و از آن برمی‌خاستند. موسیقی دیلن، حزن‌آور بود و آهنگش متناسب بود با آنچه در آن زندگی می‌کردم.

حاکم به مأمور می‌گوید،

من او را مرده یا زنده می‌خواهم  
هرکدام که باشد، مهم نیست  
آب بالا آمده و همه جا را گرفته  
است.

یک شب در سال ۲۰۱۴، وقتی که دخترم رکسانا را به سالن کنسرت در واشنگتن بردم تا او را ببیند، واقع‌بینی دیلن بر من تأثیر گذاشت. یک روز پس از آن روزی بود که میشل براون کوچک (سیاه‌پوست ۱۸ ساله)، به دست پلیس سفیدپوستی در فرگوسن (شهری در میسوری)، تیر خورد و به قتل رسید که بیشتر ما شوکه شده و خشمگین بودیم. دیلن با ترانه «دمیدن در باد»، با نوای آهنگ و به کندی جلومی‌آمد و اشک در چشمانم حلقه زده بود. پرسش جاودانی او، یعنی «چند مرگ دیگر باید اتفاق بیفتد تا ما دریا بیم که افراد بسیاری مرده‌اند؟» عمیقاً طنین انداخت، درست همان‌گونه که در جنبش حقوق مدنی سال ۱۹۶۲ اتفاق افتاده بود.

اواخر سال، تجربه‌ای مشابه از قدرتی داشتیم که او در به وحشت انداختن حضار دارد. در ۸ دسامبر برای آخرین اجرای دیلن، به آنتم،<sup>۱</sup> سالن کنسرتی در واشنگتن رفتیم پیش از آنکه «تور هرگز به پایان نمی‌رسد» او، به دلیل ویروس کرونا متوقف گردد. در آن میان، با شگفتی به حضار می‌نگریستم که حین اجرای او، ساکت نشسته و مسحور شده بودند.

بیرمرا به جایی که تام دولی<sup>۲</sup>

مصلوب شد

بخوان اس تی جیمز اینفیرمری<sup>۳</sup>

را در بارگاه شاه جیمز

اگر می‌خواهی به خاطر بسپاری،

نام‌ها را بهتر بنویس

تو هم بخوان اتا جمیز<sup>۴</sup>، بخوان

که من ترجیح می‌دادم، کور باشم

آن سطور که روح بلوز و اجرای دیگری

از گذشته را احضار می‌کند، نشانه

مهارت ترانه‌سرا در کارش است. تمام

ترانه‌ها و موسیقی دانانی که او نام

می‌برد، تابلوی اعلان آن آمریکایی

هستند که زمانی می‌شناخت؛ آن

«آمریکای خارق‌العاده قدیمی» از

گلچین موسیقی بومی آمریکایی

توسط هری اسمیت<sup>۵</sup> است که دیلن

در شروع کارش، مسحورشان شد،

همان آمریکایی که در حفزه جنگ

بی‌پایان و آن سرمایه‌داری بازار آزادی

محو گردید که شاخصه عصر ترامپ

و سال ویروس کرونا است. اگر از این زاویه به موضوع نگاه کنیم، «ناپاک‌ترین قتل»، اعتبار موسیقی قدرتمند دیلن است که جوانان از امواج رادیویی می‌شنوند؛ همچنین، در کافه‌ها، بارها و سالن‌های کنسرت مینیاپولیس، نیویورک، کمبریج و لندن، آن را یاد می‌گیرند، سپس به ما تحویل می‌دهند. در واقع، او این موسیقی آمریکایی را تعریف می‌کند که شاخصه‌اش، «اعتماد، امید و خیراندیشی» بوده است؛ همان موسیقی‌ای که به ما کمک کرد تا فاشیسم را دفع کنیم، تدابیر جدیدی بیندیشیم و با ظلم سیستماتیک مبارزه نماییم.

همان‌طور که دیلن آن را تجربه‌ای تلخ می‌داند، این نگرش از جایی به بعد محو شد. او می‌گوید: «پرچم خونین را بخوان» و به آخرین پرچم ائتلافی اشاره دارد که در جنگ شهری، کشور را پاره‌پاره کرد؛ «ناپاک‌ترین قتل را بخوان». اکنون که خیابان‌های خلوت و ترسناک شهرم را می‌بینم، به هراس و تنش پی می‌برم که سراسر کشور را فراگرفته است و فقط می‌توانم بگویم: «بله آقای باب دیلن برای من هم ترانه‌ای بخوان.»

منبع

این مطلب در ۱۳ آوریل سال ۲۰۲۰ در تارنمای دینشین منتشر شده و در آدرس ذیل قابل دسترسی است:  
<https://www.thenation.com/article/culture/jfk-bob-dylan-and-the-death-of-the-american-dream/>

۱. The Anthem

۲. Tom Dooley نام یک ترانه

۳. St. James Infirmary نام یک ترانه

۴. Etta James خواننده آمریکایی

۵. blues سبکی از موسیقی

۶. Harry Smith تهیه‌کننده